

«کُرسی که دیگه از مُد افتاده» !

آوازهایی در باران-۴: اصغر افضلی به جای وودی آلن

چاپ شده در : ماهنامه سینمایی فیلم ویژه نامه روز ملی سینما

زمان انتشار : ۲۱ شهریور ماه ۱۳۸۵

یکی از مهم ترین نکات مربوط به شخصیت فردی و هنری وودی آلن، نابغه ی همچنان فعال سینمای مستقل آمریکا، «تناقض» های فراوان حرف ها و علایق و نظرات اوست. از بین انبوه جمله های درخشان و پرفرافت او، فقط همین یکی را به عنوان نمونه داشته باشید که می گوید: «دو سوء تفاهم بزرگ درباره ی من وجود دارد: یکی این که مردم و منتقدان خیال می کنند من روشنفکرم، فقط به این خاطر که عینکی هستم! و دومی این که مرا هنرمند می دانند، چون فیلم هایم فروش بالایی ندارند!». خب، این همان آدمی است که موقع ساختن شاهکار اساسی اش یعنی آنی هال (۱۹۷۷) می گفت که دیگر از شکلک درآوردن در نقش های کمدی خسته شده و می خواهد حرف های جدی تری بزند و روشنفکر باشد. این گونه تناقض ها نه فقط آشکار، بلکه در شناخت او کاملاً کلیدی اند.

خب، این ها چه ربطی به دوبله ی اصغر افضلی دارد؟ ماجرا از این قرار است که افضلی با تیپ سازی های کمیک و کارتونی اش در دوره های مختلف کاری از فرانکوی ابله در تیم دونفره ی بی مزه ی «چیچو و فرانکو» تا لو کاستلوی چاق و دوست داشتنی در تیم کمدی اصیل «آبوت و کاستلو» تا حتی بیگلی بیگلی، سگ کوچک و صاحب گوریل ۱۵ متری در انیمیشن خاطره انگیز گوریل انگوری، همیشه بیانی کودک وار و فانتزی داشته و بلاهت های شخصیت ها یا شیطنت های بچه گانه شان را همراهی کرده. بعضی ها که دغدغه ها و پرسش های روشنفکرانه ی آلوی سینگر(آلن) در فیلم آنی هال را یکسر جدا از دیوانه بازی های ویرجیل یعنی نقش آلن در اولین ساخته ی خودش پولو بردار و فرار کن(۱۹۶۹) می دانستند، با این که افضلی در ادامه ی دوبله های کمیک قبلی، در آنی هال هم به جایش حرف زده، مخالف بودند. در حالی که اصلاً همین صدا و شبیه سازی عالی افضلی برای «تته پته» های عمدی و همیشگی آلن، از قبیل تکرار بی دلیل « YOU know» و «you see» در لابه لای جمله ها، دقیقاً همان تناقض اصلی نقش را منتقل می کرد. ما به صدای افضلی به عنوان مظهر کمترین ها عادت کرده بودیم و شنیدن نگرانی های پرتناقض و متفکرانه ی آلوی سینگر با این صدا، خودش تناقض دیگری را به طور عمیق و ریشه ای در کاراکتر او پدید می آورد.

افضلی در برخورد با دیالوگ های پر از بازی های کلامی خاص زبان انگلیسی در فیلم های آلن، چه به عنوان مدیر دوبلاژ و چه در مقام گوینده ی اصلی، همیشه مهارت های ویژه ای داشته که تنها با دیدن نسخه های اصلی فیلم ها و درک پیچیدگی نکته های اینچنینی شان، می توان به اهمیت این کار افضلی پی برد. باز به ذکر یک نمونه ی مشخص قناعت می کنم: جایی از آنی هال، وقتی زن دوم آلوی یعنی رابین (جنت مارگولین) در وصف کمالات مهمان های حاضر در خانه شان، مدام تکرار می کند که این یکی در فلان دانشگاه و آن یکی در فلان آکادمی، «صندلی» دارد و طبعاً منظورش کرسی استادی و اعتبار آن است، آلوی جواب می دهد که «اگه اینا یکی دو تا صندلی دیگه قرض بگیرن، یه دست مبل کامل جور می شه!» در نسخه ی دوبله، افضلی با همان تبحری که در فارسی سازی و قابل فهم کردن این نوع بازی های کلامی آلن دارد، جمله را با تغییری کوچک و درخشان، به این دیالوگ تبدیل کرده: «...کرسی دارن؟ چه فایده ای داره؟ کرسی که دیگه از مُد افتاده»!!